

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان جلسه: تبیین موضوعات انتقال به عنوان سومین اصطلاح موجود در تعریف جهت نظام مبارک جمهوری اسلامی و چگونگی شروع عبور از مرحله سوم انقلاب به وسیله نقد ساختار ذهنی ضد جهت

فهرست: رسول بابایی

پیاده و ویراست: کارگروه مدرسه مروی

استاد: حجه الاسلام کشوری

زمان: ۱۳۹۱/۱۰/۱۳

مکان: مدرسه مروی

۱. تبیین "تعریف" و "ضرورت" موضوعات انتقال

۱-۱. تعریف مفهومی موضوعات انتقال به موضوعات حذف کننده موانع اصلی انتقال از هر مرحله به مرحله ی آینده

تعریف مفهومی موضوع انتقال به صورت ساده می شود: در هر مرحله، انقلاب با یک مانع خاص و بزرگ مواجه می باشد؛ که مجموعه ی برنامه ریزی های انقلاب در آن مرحله، باید معطوف به حذف آن مانع باشد. و باید بسیج نیرو های انقلاب بر موضوعی که عامل حذف آن مانع می باشد، صورت گیرد.

۱-۲. انتقال به مرحله آینده در گرو شناسایی و بسیج برنامه ریزی ها به منظور رفع مانع اصلی هر مرحله

اگر موانع را بشناسیم و اولویت های برنامه ریزی را ناظر بر حذف آن مانع - که با آن در این مرحله مواجه هستیم - بسیج کنیم؛ به موضوع برطرف کننده آن مانع دست پیدا کرده ایم، می توانید از آن مرحله انتقال پیدا کنیم.

۱-۲-۱. امتناع انتقال به مرحله بعد و بازگشت به مراحل قبل، نتیجه ی عدم توجه لازم به موضوعات انتقال

ما در نقشه ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۴ موضوع انتقال داریم، و موضوعات انقلاب در هر مرحله در رأس امور است. یک خطر این است که اگر شما در هر مرحله موضوع انتقال را در نظر نگیرید، نه تنها به مرحله بعد انتقال پیدا نمی کنید، بلکه در حقیقت زمینه را برای برگشت به مرحله ی قبل مهیا کرده اید.

۱-۲-۱-۱. فتنه سال ۸۸ نتیجه عدم بسیج نیروهای انقلاب بر روی موضوع انتقال نظام در مرحله دولت اسلامی

لذا شما در فتنه ی سال ۸۸ دیدید که به موضوع انتقال مرحله ی اول یعنی ولایت فقیه حمله شد و می خواستند موضوع انتقال مرحله ی اول را از بین ببرند. حتی قانون اساسی پیشنهاد دادند و می خواستند تعریف حکومت را عوض کنند. و این به این دلیل است که شما جنگ را به یک مرحله جلوتر نبردید.

اگر ما در برنامه ریزیهایمان به توسعه ی غربی حمله کردیم، آنها مجبور می شوند با ما در آن مرحله مقابله کنند و ۲ جبهه ی فتح شده ، همچنان حفظ می شود.

۲-۲-۱. دفاع تکاملی و حد اکثری از انقلاب همان توجه لازم به موضوع انتقال در هر مرحله

لذا کسانی که به موقع متوجه موضوع انتقال در این مرحله می شوند، خیلی تکاملی تر از انقلاب دفاع می کنند. بدون توجه به موضوع انتقال هم می توان از انقلاب دفاع کرد، اما آن دفاع یک دفاع سطحی است.

۲. تبیین موضوعات انتقال مراحل پنجگانه ی تحقق مبنای نظام اسلامی

۲-۱. تبیین تئوری ولایت فقیه به عنوان موضوع انتقال از مرحله تاریخی انقلاب اسلامی

۲-۱-۱. تعریف مرحله انقلاب اسلامی به مرحله کسب اختیارات اجتماعی توسط فقها

انقلاب اسلامی مرحله ای است که در آن اختیار به دست فقهای شما افتاده است،

۲-۱-۱-۱. تحقق کشور اسلامی فقط با بدست گیری اختیارات توسط فقها یا در گرو رفع دیگر موانع؟

اما آیا ضمانتی وجود دارد که فقط با در دست گرفتن اختیارات توسط فقها، کشور اسلامی شود یا موانع دیگری هم وجود دارد؟

۲-۱-۲. عدم وجود الگوی جایگزین و استفاده انقلابیون از الگوهای مرسوم، مانع اصلی در مرحله انقلاب اسلامی

مانع مرحله انقلاب اسلامی چه بود؟ در خیلی از انقلاب ها اختیار به دست انقلابیها افتاد، اما چون الگوی جایگزین نداشتن، خود آن انقلابی ها کم کم به سراغ الگوهای مرسوم دنیا رفتند. مانع این مرحله عدم تبیین الگوی جایگزین رژیم شاه بود.

۲-۱-۳. ایجاد درک اجمالی از حکومت اسلامی مبتنی بر تئوری ولایت فقیه، موضوع انتقال به مرحله نظام اسلامی

فرض ما این است که ما برای اقامه کلمه ی اسلام انقلاب کردیم، اگر امام خمینی(ره) تئوری تأسیسی خودش (ولایت فقیه) را برای حکومت بحث و گفت و گو نمی کرد، ما به مرحله نظام اسلامی انتقال پیدا نمی کردیم.

لذا یکی از کارهای اساسی ایشان تبیین مسئله ولایت فقیه بود. بحث حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه اجمالاً درک شد و مردم آنرا اجمالاً قبول کردند! یک درکی از جمهوری اسلامی پیدا کردند، محور جمهوری اسلامی را اسلام میدانستند و به سمت تعاریف التقاطی دیگر نرفتند. لذا علت انتقال از مرحله ی انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی، ایجاد درک از تئوری ولایت فقیه بود. و اگر این تئوری نبود، ما از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام دموکراتیک یا نظام التقاطی دیگری انتقال پیدا میکردیم.

۲-۱-۳-۱. اولویت بندی های امام خمینی (ره) در مرحله انقلاب اسلامی براساس تثبیت ولایت فقیه

بنابراین اولویت بندی ها و اصلی، فرعی، تبعی کردن امام خمینی(ره) در آن مرحله ناظر به تبیین و تثبیت مسئله ولایت فقیه بود.

۲-۱-۳-۲. تئورری ولایت فقیه، به عنوان یکی از موضوعات انتقال، عامل برداشتن مانع تئوری های جایگزین مثل

لیبرال دموکراسی

تئوری ولایت فقیه علت انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی بود. با تبیین تئوری ولایت فقیه مانع این مرحله؛ که عدم درک از الگوی جایگزین بود، برداشته شد. لازم به ذکر است که در مرحله ی اول بوسیله ی "تئوری ولایت فقیه" مانع لیبرال دموکراسی و نوع نظام برداشته شد. یعنی اگر تئوری ولایت فقیه نبود در همان ابتدای راه، انقلاب با مانع لیبرال دموکراسی برخورد می کرد و آن مانع، ورود اسلام و مبنای ارزشگذاری اسلام را قبول نمی کرد. پس با موضوع ولایت فقیه مانع لیبرال دموکراسی که نوع حکومت های موسوم آن روز در دنیا بود برداشته شد.

۲-۲. تبیین مسئله دفاع مقدس و حوادث امنیتی دیگر به عنوان موضوع انتقال از مرحله تاریخی نظام اسلامی

۲-۲-۱. عدم توانمندی درونی و شناخت صحیح انقلاب در بیرون نظام؛ مانع اصلی در مرحله نظام اسلامی

وقتی که نظام اسلامی تشکیل شد به دلیل جدید بودنش کادر کارآمدی نداشت و فهم افراد انقلاب هم به قدری بود که فقط اجمالاً به وسیله ی آن بشود نظام را سر پا نگه داشت. در بیرون از کشور هم اصلاً درکی از نظام اسلامی وجود نداشت؛

۲-۲-۱-۱. استفاده از واژه ضد امپریالیسم پیرامون ایران، نمونه ای برای عدم شناخت انقلاب در بیرون

مثلاً وقتی می خواستند توضیح دهند که یک حکومتی در جلوی آمریکا قرار گرفته از اصطلاح ضد امپریالیسم - برای حکومت ما که با آمریکا درگیر است- استفاده می کردند. حتی در درون هم روشنفکران می گفتند ما ضد امپریالیسم هستیم.

۲-۲-۱-۲. نبود نظام مفاهیم و کادر کارآمد، نمونه ای از عدم توانمندی درونی

پس در آن موقع نه نظام مفهیمی داشتیم و نه کادر کارآمدی که حداقل مسئولیت های اساسی را به عهده بگیرد.

۲-۲-۲. وقوع حوادث امنیتی مثل جنگ تحمیلی، علت رفع مانع عدم توانمندی داخلی به عنوان مانع اصلی مرحله نظام اسلامی

لذا مجموعه حوادث امنیتی که در اول انقلاب و در اوج خود یعنی جنگ تحمیلی- آن کوره ی ۱۰ ساله ای که به وجود آمد- باعث تربیت نیروهای اسلامی مطابق فرهنگ امام و انقلاب شد. آنها به وسیله ی مجموعه کارآمدی هایی که در جنگ ایجاد شد؛ مثل فرهنگ ایثار و شهادت، علت تثبیت نظام اسلامی شدند. پس موضوع دفاع مقدس- که ما به فرموده ی امام راحل آن را در رأس امور قرار دادیم- مانع "عدم توانمندی داخلی" برای استقرار نظام را برداشت. و با در رأس امور قرار گرفتن "دفاع مقدس"، مانع نداشتن کادری مسلط و پخته بر روی مبنای انقلاب برداشته شد یعنی با دفاع مقدس، انقلاب اسلامی تثبیت شد.

۲-۳. تبیین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان موضوع انتقال از مرحله تاریخی دولت اسلامی

۲-۳-۱. ورود انقلاب به مرحله دولت اسلامی، با تثبیت نظام اسلامی و فراهم شدن زمینه برای اصلاح ساختارها

زمانی که نظام اسلامی تثبیت شد، زمینه برای اصلاح ساختارها فراهم و انقلاب وارد مرحله ی دولت اسلامی شد.

۲-۳-۲. لزوم بسیج نیروهای انقلاب برای رفع برنامه ریزی های مدرن به عنوان مانع اصلی انتقال از مرحله دولت اسلامی

انقلاب باید برای عبور از این مرحله مانع "برنامه ریزی های مدرن" که متأثر از مفهوم توسعه غربی- در همه جای دنیا حکمفرما می باشد - است را بردارد.

۱-۲-۳-۲. تعریف توسعه غربی به مجموع مفاهیم منجر به برنامه ریزی مدرن

حال وارد مفاهیم حاکم بر این نوع برنامه ریزی می شویم. وقتی می گوییم «توسعه غربی» یعنی مجموعه مفاهیمی که منجر به برنامه ریزی مدرن میشود.

۲-۳-۲. انتقال انقلاب اسلامی به مرحله جامعه اسلامی در صورت اولویت قرار گرفتن فرآیند نقد توسعه تا تولید الگو پیشرفت اسلامی در فعالیت ها و برنامه ریزی ها

اگر ما محور برنامه ریزی و فعالیت هایمان را حذف این مفهوم قرار دادیم،- که حذف این مفهوم از نقد توسعه شروع می شود و تا تولید الگوی اسلامی پیشرفت ادامه دارد- از مرحله ی دولت اسلامی به مرحله ی جامعه اسلامی انتقال پیدا خواهیم کرد. اما اگر این مسئله را در اولویت هایمان قرار ندادیم، یا برخی قرار دادیم و برخی نه، انتقال دچار مشکل می شود.

۳-۳-۲. مانع برنامه ریزی مدرن علت نقد توسعه توسط امام خامنه ای از ابتدای امامت اجتماعیشان

لذا امام خامنه ای (مدظله العالی) در آغاز امامتشان بر روی مفاهیمی مثل عزت، حکمت، مصلحت و یا مسأله عدالت تاکید می کردند و در حال نقد مفهوم توسعه به صورت مسئله محور بودند.

۱-۲-۳-۳. عدم امکان نقد مفهومی توسعه و ضدیت آن با شاخص های اسلامی، علت نقد مسئله محور در ادبیات انقلاب

به بیان دیگر در اوایل انقلاب اصلاً فضای این نبوده که به صورت مفهومی ضدیت توسعه با عدالت را مطرح کنیم، اما به صورت مسئله محور این کار انجام می شد. مثلاً امام خامنه ای (مدظله العالی) بر روی یک سری شاخص ها مثل عدالت تاکید می کردند و موفق شدند، آن شاخص ها را نگه دارند

۲-۲-۳-۳. ایجاد تدریجی ظرفیت برای فهم ضدیت توسعه با مبنای انقلاب، ثمره نقد مسئله محور ادبیات انقلاب

و زمینه ای را به صورت آهسته، آماده کردند تا جامعه به این درک برسد که توسعه، ضد مبنا دارد حرکت می کند. حتی با این شرایط هم فقط یک عده ای متوجه شدند و عده ای هنوز دنبال دولت توسعه گرا هستند و بزرگ ترین انحراف را، انحراف از توسعه و سازندگی می دانند.

۴-۲-۳. اشکال مطرح شده پیرامون اصلاح ساختارها و پاسخ آن

۱-۴-۳-۲. طرح اعتقاد عده ای مبنی بر اصلاح ساختارهای اداره کننده جامعه در مرحله ی اول انقلاب به عنوان اشکال

البته بعضی ها اینجا اشکال می کنند و می گویند این حرف که در مرحله ی سوم، ساختارها را اسلامی می کنیم، اشتباه است؛ چرا که در مرحله ی اول، این کار با ساختارها یی مثل جهاد سازندگی و سپاه انجام شده است.

۲-۴-۳-۲. توجه به گستره اصلاحات و شرایط زمان اصلاحات اولیه پاسخ ارائه شده به اشکال مطروحه

۱-۴-۳-۲-۲. بخشی بودن اصلاحات در ابتدای انقلاب و همه جانبه بودن اصلاحات در مرحله دولت اسلامی

جواب ما این است: در مرحله ی دولت اسلامی، موضوع توانمندسازی ساختارها، همه جانبه است اما در مرحله ی اول برخی توانمند سازی های بخشی انجام شد، و فقط برای استقرار نظام بوده است. و نمی خواست در مرحله ی دوم به سراغ ساختار سازی برود.

۲-۴-۳-۲-۲. عدم تثبیت نظام اسلامی، مانع پرداختن نیروهای انقلاب به مسئله اصلاح ساختارها

نه اینکه صحبت از ساختار سازی نبود اجمالاً همه می دانستند که ساختارها باید تغییر کند ولی چون نظام هنوز تثبیت نشده بود و درگیر یک جنگ جهانی - که همه دنیا به آن هجمه کرد- بود، همه ی توان خود را فقط برای حفظ نظام جمع کرد. و در مرحله تثبیت نظام، اصلاً فضایی برای فکر کردن به ترمیم ساختارها فراهم نبود. حتی اگر ایده آن هم بود، شرایط برای آن مهیا نبود. لذا قطعاً آغاز مرحله ی دولت اسلامی بعد از جنگ تحمیلی، و با آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای (مدظله العالی) با این شرحی که بیان شد، شروع می شود.

۴-۲. تبیین مسئله بانک اطلاعات اسلامی به عنوان موضوع انتقال نظام اسلامی از مرحله تاریخی جامعه اسلامی

وقتی انقلاب وارد مرحله ی جامعه اسلامی شد، باید آهسته به مرحله ی تمدن اسلامی انتقال پیدا کند؛ موضوع انتقال آن مرحله هم می شود "بانک اطلاعات اسلامی".

۱-۴-۲. تعریف بانک اطلاعات اسلامی به شبکه وسیع پژوهشی برای پاسخ گویی به مسائل دیگر کشورها مبتنی بر معادلات اسلامی با توجه به بوم هر منطقه

بانک اطلاعات اسلامی، به صورت اجمال یعنی یک شبکه ی گسترده ی پژوهشی که موضوع کار آن پاسخ دهی به مسائل خارج از ایران، مبتنی بر الگو و معادلات اسلام می باشد. یعنی طراحی همه ی بخش های دنیا مبتنی بر بومشان، با توجه به ظرفیتشان، با بینش اسلامی و توسط ایجاد یک شبکه ی پژوهشی - آموزشی خاص.

۲-۴-۲. امکان کسب درآمدهای ارزی نظام اسلامی توسط تولیدات بانک اطلاعات اسلامی

و بعدها در آمد ارزی ما از این راه کسب می شود.

۳. لزوم توجه به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان عامل حذف کننده مانع سوم برای تحقق شاخص های هویت اسلامی

برمی گردیم به سؤال اول؛ جهت نظام مبارک اسلامی چیست؟ نظام اسلامی می خواهد شاخص های اسلامی را محقق کند و در حال حاضر در مرحله ی سوم محقق کردن شاخص های اسلامی است، و باید مانع سوم پیش روی انقلاب را حذف کند و حذف مانع سوم وابسته به جدی گرفتن فرآیند تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. این جهت حرکت ما است که باید به آن توجه کرد.

۴. تعریف جهت محور الگوی پیشرفت اسلامی به نظام معادلات محقق کننده مبنا

سؤال دیگر ما این بود که تبیین مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی بر چه چیزی مبتنی است؟ یعنی الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ که جواب می شود؛ نظام معادلات محقق کننده ی مبنا (تعریف الگوی پیشرفت اسلامی)، پس الگو یک تعریف پیدا کرد که در آن جهت اصل و در جهت، مبنا اصل است.

۵. نقد توسعه، اولین گام برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی

۱-۵. شروع از نقد توسعه، حاصل در نظر گرفتن عامل حذف کننده مانع برنامه ریزی مدرن

اگر مانع سوم را در نظر بگیریم، این نظام معادلات از نقد توسعه بدست می آید.

۲-۵. اداره ساختارهای فعلی جامعه توسط برنامه ریزی های توسعه محور، علت شروع از نقد توسعه برای دست یابی به الگوی پیشرفت اسلامی

زیرا ساختارهای ما براساس مبنای توسعه کار می کنند. اگر توسعه را نقد نکنیم، زمینه برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی مهیا نمی شود.

۶. نقد "ریشه ها"، "برنامه ها و ساختارها" و "نگرتهها"، سه سطح موجود در انواع نقد

ما ۳ نوع نقد داریم.

۱-۶. تعریف نقد ریشه ها به نقد مبانی فلسفی و روشی به عنوان اولین سطح از نقد های موجود پیرامون توسعه

گاهی نقد ما از ریشه ها است؛ از مبانی فلسفی و روشی آنهاست.

۱-۱-۶. انسان شناسی و تعریف از انسان و جامعه، بخشی از مبانی فلسفی موجود در توسعه غربی

می گوئیم علت اعتقاد آنها به توسعه بدلیل انسان شناسی آنها و تعریف آنها از انسان و جامعه و... است.

۲-۱-۶. طولانی بودن، عامل عدم کارآمدی نقد مبانی فلسفی و روشی در مدیریت تحولات

این یک نوع تعریف و نقد است اما به دلیل طولانی بودن کارآمد نیست.

۲-۶. نقد برنامه ها و ساختارهای عینی مبتنی بر توسعه به عنوان دومین سطح از نقد های موجود پیرامون توسعه

نقد دیگر این است که برنامه ها و ساختارهای توسعه را اصل قرار دهیم.

۱-۲-۶. نقد برنامه پنجم توسعه، نمونه ای از نقد های ساختاری به توسعه

مثلاً برنامه پنجم توسعه را نقد کنیم.

۲-۲-۶. کوتاه تر بودن نقد های مبتنی بر برنامه و ساختار نسبت به نقد بر روش ها مزیت سطح دوم از نقد های موجود

این فرآیند نسبت به نقد علمی کوتاه تر است.

۳-۲-۶. عدم همراهی عموم مردم با این سطح از نقد و عدم موازنه کارشناسی، از اشکالات نقدهای مبتنی بر برنامه ها و ساختارهای عینی

اما اشکال این است که مردم نمی توانند با آن ارتباط برقرار کنند. مضافاً به اینکه توان شما به اندازه ی مقابله با این جریان، نیست.

۳-۶. نقد مبانی فلسفی و ساختاری، موضوع فعالیت غالب جریان های معتقد به تاسیسی بودن مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی

اکثر جریان هایی که پیرامون مسئله ی الگو فعال هستند و موضوع الگو پیشرفت را تاسیسی می دانند، یا از ساختارهای علمی شروع کرده اند و یا نقد ها را به سمت نقد ساختاری برده اند.

۴-۶. نقد ساختارهای ذهنی، به عنوان سطح سوم از نقد های موجود پیرامون توسعه، نقد مختار شورای راهبردی در نقشه راه

اما در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی، نقد ما از ساختارهای ذهنی شروع می شود.

۱-۴-۶. تعریف مهمترین ویژگی ساختارهای ذهنی به ساختارهایی بسیج کننده جامعه و مردم فارق از مبانی روشی

حال به تعریف ساختارهای ذهنی می پردازیم. ساختارهایی که باعث بسیج جامعه و مردم بر روی موضوع ما می شود. و آن نگرش ها، فارق از اینکه مردم روش ها را بدانند، قابل تفاهم میباشد.

۱-۴-۶. همراهی مردم در مسئله یارانه ها با وجود هجمه های فراوان، نمونه ای از کارآمدی ایجاد نگرش در جامعه

به طور مثال در قضیه ی یارانها به دلیل ایجاد نگرش در بین مردم، مردم به راحتی همراهی کردند و کشور به چالش کشیده نشد با اینکه هجمه ی زیادی به آن شد.

۲-۴-۱-۶. حفظ ۳۰ ساله ی جهت انقلاب توسط امام خمینی و امام خامنه ای، به وسیله حمله ی مستمر به نگرش های ضد جهت

این که شما میبینید ۳۰ سال است که امام خمینی(ره) و امام خامنه ای(مدظله العالی) نگذاشته اند جهت انقلاب از دست برود، به این دلیل است که مدام به نگرش های ضد جهت حمله کرده اند.

۳-۴-۱-۶. حفظ جهت انقلاب در شاخص امنیت، توسط امام خمینی به وسیله بسیج

مثلاً در شاخص امنیت به وسیله ی بسیج توانستند حفظ جهت کنند. زیرا بسیج دارای ریشه علمی نیست اما در مقابل ساختارهای نظامی که بر مبنای دافوس بود، توانست کارآمدی خود را نشان دهد. یعنی امام (ره) توانست نگرش مردم را نسبت به امنیت بوسیله ی بسیج تغییر دهد.

۴-۴-۱-۶. نام گذاری نگرش های بسیج کننده جامعه به ساختارهای ذهنی توسط شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

ما اسم این نگرش های بسیج کننده جامعه را به عنوان ساختارهای ذهنی تعریف کرده ایم.

۲-۴-۶. اولویت و تقدم نقد ساختارهای ذهنی بر نقد ساختارهای علمی و عینی به علت ایجاد فرصت برای اصلاح ساختارهای عینی و علمی

باید از نقد ذهنی شروع کنیم تا برسیم به نظام مفاهیم. فرض گرفتیم جهت برای ما اصل است. با این فرض ۳ چیز در ضد جهت حرکت می کنند، ساختارهای علمی، ضد جهت حرکت می کنند و برنامه ریزی مبتنی بر این ساختارها هم ضد جهت حرکت می کند. اگر توانستیم حلقه ی آخر ساختارها، یعنی ساختار ذهنی را به دست بگیریم فرصت برای اصلاح ساختارهای علمی و عینی در عقبه ایجاد می شود.

۱-۲-۴-۶. سفارش امام خمینی و امام خامنه ای به کار در ساختارهای عینی و علمی طی ۳۰ سال گذشته بعد از حفظ جهت توسط کنترل ساختارهای ذهنی و ایجاد زمینه مشارکت برای ساختارهای علمی و عینی

۳۰ سال است که انقلاب بوسیله ی ساختارهای ذهنی توانسته جلوی استکبار بایستد. البته هر دو امام ساختارهای ذهنی را نگه داشته و مدام سفارش به کار بر روی ساختارهای علمی و عینی کرده اند. و ساختارهای ذهنی را به نفع اسلام می شکنند و زمینه ی مشارکت برای ساختارهای علمی و عینی ایجاد میکنند.

امام خامنه ای (مدظله العالی) مکرر فرموده اند: «هرجا ساختارهایمان اشکال داشته باشد، آنها را اصلاح می کنیم»

۲-۲-۴-۶. جلو گیری از بسیج جامعه به سمت توسعه غربی توسط به چالش کشیدن نگرش های توسعه محور، زمینه ساز حفظ جهت و نقد ریشه ای علوم انسانی توسعه محور؛ علت استفاده مکرر نقشه راه از نگرش ها

اگر ما بتوانیم، نگرشهای آنها را به چالش بکشیم، یعنی توانسته ایم بسیج شدن جامعه به سمت توسعه غربی را به چالش بکشیم و فرصت برای زدن ریشه هایش که نقد علوم انسانی آن است، ایجاد می شود. و هم جهت را حفظ کرده ایم و هم ریشه ها را. لذا در نقشه راه مکرر گفته ایم نگرش، مثلاً نگرش های ضد خانواده، نگرش های ضد برنامه ریزی، البته نگرش نه به معنای تئوری خانواده. نکته قابل توجه این است که هرچه نگرش های ذهنی مورد حمله قرار بگیرند، فرصت برای اصلاح ریشه ای ساختارهای علمی و عینی پیدا می شود. یعنی هم جهت را حفظ کرده ایم و هم فضا برای اصلاح پیدا کرده ایم.

۱-۲-۲-۴-۶. نیازمندی اجرای هر برنامه ای به پذیرش اجتماعی؛ علت وجود ساختارهای ذهنی به عنوان نقطه وصل ساختارهای علمی و ساختارهای عینی با جامعه

نتیجه می گیریم هر تئوری علمی و ساختار عینی یک نقطه وصل با جامعه دارد، زیرا جامعه باید برنامه ی آنرا بپذیرد تا آن برنامه جلو رود. نقطه ی وصل «ساختارهای ذهنی» هستند، نظام نگرش ها هستند. اگر حمله کردیم و این نگرشها را شکستیم در واقع نگذاشته ایم این جهت غربی در جامعه حاکم شود. البته روشنفکران دوباره با یک نگرش جدید وارد می شوند و ما باید دوباره با آنها مقابله کنیم.

۷. قطع ارتباط با مردم، به علت سخن گفتن به زبان فلسفی و روشی (ساختارهای علمی) یا برنامه و قانون (ساختارهای عینی)؛ علت نگرش سازی متفکران توسعه در تعامل با مردم

اگر با جامعه به وسیله ی مبنای فلسفی و روشی صحبت کنیم، ارتباط با مردم بکلی قطع می شود. حتی اگر برنامه ریزی هایمان را به صورت علمی انجام دهیم و به قانون هم تبدیل شود؛ (یعنی تغییر ساختارهای عینی) باز هم نمی توانیم با مردم ارتباط برقرار کنیم. لذا متفکران توسعه غربی هم وقتی می خواهند با مردم ارتباط برقرار کنند و آنها را با خودشان همراه کنند، نگرش سازی می کنند.

۱-۷. سخن گفتن تمثیلی متفکران توسعه با مردم، و نه استفاده از بیان روش ها و ... ، نشانه ای از کنترل ساختارهای ذهنی برای مدیریت جامعه

متفکران توسعه با مردم به وسیله ی تمثیل صحبت می کنند نه با روش هایشان مثلاً اقتصاددانی که شروع به صحبت با مردم می کند، به مردم نمی گوید که یک اقتصاد دان نهادگرا از یا مکتب دیگری است وگر نه مردم با او همراهی نمی کنند. بلکه شروع می کند با یک سری نگرش ها و مثالها، آنها را با خودش همراه می کند.

۱-۱-۷. تقدم توسعه بر عدالت، یکی از نگرش های موجود در تفکر توسعه محور

مثلاً روشنفکران با نگرش اول توسعه بعد عدالت، مردم را جهت دهی می کنند. آنها (اقتصاددانان) می گویند: اگر اول توسعه پیدا نکنیم و بخواهیم عدالت را اجراء بکنیم، چیزی برای توزیع نیست که با آن عدالت را حکمفرما کنیم در نتیجه میشود توزیع فقر، لذا هر قدر کیک توسعه بزرگ تر شود سهم بیشتری به افراد جامعه می رسد.

۲-۱-۷. تبیین استدلال کارشناسی مدرن پیرامون علت ایجاد تورم

یا می گویند اگر دولت یارانه بدهد پول از بخش تولید خارج شده و می آید در بخش بازار، وقتی در بخش بازار آمد به معنای افزایش تقاضا است و به معنای کاهش عرضه است که تورم می شود. با این نگرش ها به ما حمله می کنند.

۸. استفاده نقشه راه از نقد ساختارهای ذهنی، ضامن اثر بخش بودن آن؛ به علت لزوم همراهی مردم برای ثمر دانستن هر تئوری در جامعه

در حقیقت حمله به توسعه غربی، نقد این نظام نگرشها و شکستن آنهاست. لذا نقشه راه به فضل خداوند تعالی به زودی در دل مردم جا باز می کند، زیرا بالاخره جامعه باید با یک تئوری همراهی کند تا آن تئوری به ثمر بنشیند.

۸-۱. نقشه راه، ۲۷ ماموریت برای شکست نگرش های توسعه محور یا ایجاد نگرش های جهت محور و فرصت ساز برای اصلاح ساختارهای عینی و علمی

نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی ۲۷ ماموریت برای شکستن نگرش های فرآیند مدرنیزاسیون یا نقشه راه ایجاد ۲۷ راهروی بزرگ، برای تئوریزه کردن نگرش های متناسب با جهت انقلاب است. و فرصت را برای اصلاح ساختارهای عینی و علمی مهیا می کند.

و آن شالته به زودی به نتیجه میرسد.